****

[**www.iran57.com**](http://www.radioazadegan.com/Akhbare%20Rooz%20Apr%202016/www.iran57.com)

سخن روز

**اعتراض کردن و حکومت کردن - رامین کامران**

اینطور شایع است که قرار است اپوزیسیون ایران که مرکزش خارج از کشور است، قدرت را از دست اسلامگرایان بگیرد و در ایران به حکومت برسد! ولی وقتی به نوع موضعگیری های این اپوزیسیون نگاه میکنید، میبینید که گویی در نقش فعلیش جا افتاده و نه توان رفتن به سوی قدرت را دارد و نه حتی تمایلش را. چرا؟ برای اینکه هر چه میگوید و هر موضعی میگیرد، در خط اعتراض و انتقاد و نق و ایراد است و هیچگاه حرف و سخنی در میان نمیاورد که بوی حکومتگری از آن بیاید.

البته انتقاد از وضعیت فعلی ایران و حکومت اسلامی بسیار لازم و پایۀ کار است، میدانیم که اپوزیسیون هم هنوز قدرت را نگرفته تا بخواهد از موضع حکومتی حرفی بزند. این دو نکته بدیهی است. ولی مقصود من چیز دیگری است. اینکه اصلاً ردی از ارادۀ گرفتن قدرت در سخنان گروه اخیر دیده، نظری در بارۀ ادارۀ قدرت از سویش ابراز نمیگردد و هیچ تصویری از آنچه که قدرت سیاسی آینده باید با جامعۀ ایران بکند در آن نیست. نه این جزئیات که آب و برقش را درست میکنم یا به همه واکسن میزنم یا... اینکه به کل این مملکت و جامعه چه شکلی میخواهم بدهم.

مسئله این است که اصلاً معلوممان نیست که به کجا میخواهیم برسیم. میدانم که همه میگویند که آزادی و دمکراسی و جدایی دین و دولت و... ولی اینها کلیات است. اصولیست پایه ای و مفاهیمی است که در دسترس همه هست و البته همه هم استفاده میکنند. تازه در بارۀ همین مفاهیم دم دستی هم وقتی پرس و جو کنید، میبینید که بسیار به ندرت تعمقی و کند و کاوی در آنها شده. همین فقط کلمه ای را که گوشۀ بحثهای مختلف قل میخورده، برداشته اند و آورده اند به من و شما عرضه میکنند که ببین تحفه آورده ام. اینها نه جان دارد و نه چهره ای ایرانی، هر جا که بخواهی بگویی همین است.

تازه این خامی و بی اطلاعی، بزرگترین نقطۀ ضعف نیست. اصل کار، این مسئله است که مفاهیم انتزاعی کسی را به سوی مبارزه نمیکشد. اگر قرار است ملت ایران این حکومت را بیاندازد، همین ملت است که باید به میدان کشید و این ملت را نمیتوان با یک رشته کلیات به مبارزه انگیخت.

این شعار های حقوق بشری و دمکراسی و اینها که همه میدهند، فقط به یک درد میخورد، اینکه ثابت بکنند آدمهای خوبی هستند. اینها برای ژست گرفتن جلوی دوربین است. مثل خاله خانمها میایند و میگویند که این کارها بد است، نکنید ـ همین! چند نفر و گروه را میشناسید که از دیدگاه حکومت کردن سخن بگویند؟ یعنی با اعتنا به امکانات و محدودیت های قدرت. همه فقط از دید انتقادی و ایرادگیری حرف میزنند و دلشان هم خوش است که همه جا تریبون دارند. اینجا اپوزیسیون هستند و گویی قرار است در ایران آینده نیز همین باشند! حال که باید مملکت را اداره کند، معلوم نیست! بابا جان، محض تدارک آینده تان هم که شده، همتی بکنید که یکی قدرت را بگیرد و بعد راحتتر بنشینید و نق بزنید.

اگر نمیتوانند از ایران آینده تصویری به شما عرضه کنند، برای این است که ندارند، اصلاً در جایگاه درست قرار ندارند تا پیدا کنند. در جایی که قرار گرفته اند دیدگاهی ندارند. پنجرۀ ذهنشان رو به حیات خلوت باز میشود. منظرۀ وسیع را نمیبینند تا بتوانند برای شما وصفش کنند. نه از امروز مملکت تصویری جامع دارند، نه از فردایی که باید بشود.

آنچه لازم است درست همین تصویر است از ایران فردا. تصویری که مردم انعکاس خواستهای خود را در آن بیابند. آیندۀ بهتر خود و فرزندان خود را در آن ببینند. چنین تصویری را نمیتوان از بروشور های مسافرتی استخراج کرد یا از این و آن مجله برید و به مردم عرضه نمود. جزوه های سیاسی قدیمی هم به درد نمیخورد، عمرشان سرآمده. این تصویر را باید ساخت و کسی میتواند آنرا به مردم عرضه کند که آنرا با نظر به ایران امروز و با تصور ایران فردا، در ذهنش ساخته باشد. ببینید چه کسانی میتوانند، طرحی، حتی در حد سیاه قلم از این ایران آینده برای شما ترسیم کنند.

چقدر شنیده اید که میگویند جامعۀ فعلی ایران معیوب است، نامتعادل است، زخم خورده است، زهوار در رفته است و... بسیار خوب، همه ظاهراً در این امر متفق القول هستند. ولی به جای این چه میخواهید بیاورید؟ جامعۀ سالم و متعادلی که میخواهید چه شکلی باید داشته باشد؟ این جامعه چه تعادلی باید داشته باشد؟ چه خصایصی باید داشته باشد؟ اقلاً خطوط اصلی چهره اش را برای ما ترسیم کنید، دلمان گرفت.

اگر اینها را نمیدانید پس مخالفتتان برای چیست و چه هدفی را تعقیب میکند؟ فقط نق زدن؟ البته تفریح خوبی است. برای پیران مشغولیت بازنشستگی است و برای جوانان پیش درآمدش. شاکی هستید که به هدف نمیرسید؟ کدام هدف؟ هدفی که نباشد، هر حرکتی درجا زدن است. کاری که همه بدان مشغولند. شما اصلاً هنوز راه نیافتاده اید تا قرار باشد به جایی برسید، مردم را هم معطل خود کرده اید.

میگویند که عصر ایدئولوژی ها به پایان آمده است. از این حرفهایی است که مد میشود و همه میزنند. این نکته را باید به کسانی که باورش دارند، یادآوری کرد که خوب اگر ایدئولوژی نمیخواهید و ندارید، این تصویری را که میباید از ایران آینده ارائه دهید چگونه میخواهید بسازید؟ بگویم که داستان خیالپردازی نیست که به مدد استعداد نویسندگی یا ذوق نقاشی از عهده اش بربیایید. جنبشهای بزرگی که ما شاهد بوده ایم، همه بر اساس عرضۀ تصویری آرمانی از آینده شکل گرفته و احیاناً به پیروزی رسیده است، حتی همین انقلاب بد عاقبت اسلامی. اگر اینرا ندارید، کسی هم دنبالتان نخواهد آمد. اگر هم جداً فکر میکنید که لازم نیست، مردم را هم روشن کنید که تکلیفشان را بدانند.

معمولاً سخن از ارادۀ پیروز شدن بر این رژیم میرود ـ سخنی بجا و درست. ولی اراده خودبخود زاده نمیشود. برای اراده باید اول هدف داشت. هدف است که اراده را برمیانگیزد، وگرنه خود اراده، اگر هم به طور خالص در جایی موجود باشد، هدف ساز نیست. همین تصویر ایران آینده است که میتواند در مقام هدف قرار بگیرد و نه فقط برای فعالان، برای عموم مردم ایران انگیزه ایجاد کند و ارادۀ آنها را به حرکت دربیاورد.

از همۀ این داستانهای تصویر آرمانی و اراده و هدف گذشته، خالی بودن دست کسانی که مدعی مبارزه هستند، در نهایت نشان این است که جرأت پیروزی ندارند، جرأت تصور پیروزی ندارند، جرأت طلب پیروزی ندارند. اگر این دکان متعفن اصلاح طلبی، اینهمه سال چرخید و با این پرسنل سیاسی و مطبوعاتی درجۀ چندم هم چرخید، برای این بود که موجد توهم تغییر بدون زحمت نظام بود. اینهایی هم که نشسته اند که فروپاشی واقع گردد، در نهایت به دنبال همان توهم میروند. مردم را تشویق میکنید که تا شما چرتتان را بزنید، همه چیز درست خواهد شد؟ دست مریزاد، همینطور است که رسیده ایم به اینجا.

یک وجه اراده معطوف است به دولت که ابزار اصلی ادارهُ مملکت است و وجه دیگرش متوجه به جامعه، به شکلی که باید بگیرد و از همین حالا باید در ذهن ما باشد. نه اولی را میبینید و نه دومی را. نه جسارت در دست گرفتن قدرت دولتی را دارید و نه تصویری از جامعه ای که میخواهید بسازید.

فعال بودن، فقط انداختن رژیم حاضر نیست، ساختن رژیم بعدی است. اینطور نیست که اول اینرا بیاندازیم، بعد ببینم که چه میخواهیم بکنیم، یا اینکه نظر مردم را بپرسیم. جامعۀ ایران و کشور ایران مادۀ خامی نیست که بتوان همینطوری مدتی بی شکل نگاه داشت و سر فرصت برای دادن شکل جدید به آن، فکر کرد و طرح ریخت. بین نابودی شکل فعلی آن و گرفتن شکل جدید فاصله ای نیست. همینطور که اولی محو میشود، دومی زاده میگردد. اگر طرح و حرفی دارید باید از همینجا و از همین حالا بزنید، وگرنه تحول به راه خودش خواهد رفت و در حقیقت به هر راهی میتواند برود و حتماً هم بدون شما میتواند برود.

ایران لیبرال

۲۳ آوریل ۲۰۱۹